

حقوق فرهنگی و تأثیر آن بر توسعه گردشگری

علیرضا عنابی

گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

چکیده

حقوق فرهنگی که به معنای حق بر انجام و بهره مندی و دسترسی آزادانه و بدون تبعیض به کالاها و فعالیت‌های فرهنگی بوده و در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ نیز پیش بینی شده، از ملزومات توسعه گردشگری و به تبع از آن توسعه در حوزه‌های متعددی چون صنعت گردشگری می‌باشد. از جمله مولفه‌های حقوق فرهنگی موثر در توسعه گردشگری می‌توان به تنوع فرهنگی، تربیت شهروند جهانی، شهروند فرهنگی، آزادی فرهنگی، دسترسی به منابع فرهنگی و تساوی حقوق فرهنگی اشاره نمود. نهادینه شدن مولفه‌های مزبور موجب تحول در نگاه شهروندان نسبت به گردشگران خارجی و شناخت حقوق فرهنگی آنان شده و این رویکرد در نهایت موجب توسعه و گسترش صنعت گردشگری در کشور خواهد شد. موضوع حقوق فرهنگی به عنوان شاخه‌ای از حقوق بشر امروزه به شدت مورد توجه قرار گرفته است. جامعه جهانی امروز دریافته است که رعایت و تضمین این حقوق در بستر احترام به تنوع فرهنگی زمینه اساسی برای تحقق کامل سایر جنبه‌های حقوق بشر از جمله حق بر گردشگری را فراهم می‌سازد اما اهمیت حقوق فرهنگی برای کشورهای در حال توسعه دو چندان است، چرا که این کشورها جهت تقویت گروه‌ها و اجتماعات فرهنگی خود و مشارکت فعال فرهنگی و نیز برقراری ارتباط با سایر فرهنگها نیاز به شناساندن و رعایت و تضمین این حقوق در جوامع شان دارند.

واژگان کلیدی: حقوق فرهنگی، صنعت گردشگری، شهروند فرهنگی، تساوی حقوق

مقدمه

امروزه از گردشگری به عنوان صنعت بدون دود یاد می‌شود که هم علت و هم پیامدی در روند جهانی شدن است به گونه‌ای که بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه صنعت گردشگری را رکن اصلی توسعه پایدار و برقراری صلح می‌دانند این پدیده در مقام شاخص عمده امنیت در جوامع مختلف مطرح است به گونه‌ای که هر اندازه امنیت جامعه در سطح بالاتری قرار گیرد سرمایه گذاری خارجی نیز به همان اندازه افزایش خواهد یافت (سریع القلم، ۱۳۹۴: ۳۷). با شروع انقلاب صنعتی که شهرنشینی از مهمترین پیامدهای آن بود نیاز به مسافرت و گذران اوقات افزایش یافت بنابراین نخستین اقدامات در زمینه گردشگری در این سالها آغاز شد. با گسترش فعالیتهای گردشگری سازمان جهانی گردشگری (UNWTO) با هدف هرچه سهل و آسان‌تر شدن جابه جاییها و فعالیتهای گردشگری شکل گرفت این سازمان کار خود را در سال ۱۹۲۵ تحت عنوان اتحادیه بین‌المللی سازمانهای رسمی مسافرتی^۱ آغاز کرد؛ و در سال ۱۹۷۵ کارش را با عنوان سازمان بین‌المللی و عامل اصلی سازمان ملل متحد در زمینه جهانگردی با نام سازمان جهانی گردشگری جهان گردی ادامه داد از اهداف این سازمان گسترش و توسعه جهانگردی با در نظر گرفتن کمک به توسعه اقتصادی، تفاهم بین المللی صلح، احترام جهانی بدون هیچ گونه تمایز نژادی، جنسی زبانی و مذهبی است (Banks, 138: 2020) براساس تعاریف سازمان جهانی گردشگری گردشگر کسی است که به سرزمین یا کشوری غیر از محل اقامت دائمی خود مسافرت می‌کند و حداقل یک شب و حداکثر یک سال در آنجا می‌ماند و دلیل عمده‌ی مسافرت او تفریح، استراحت دیدار بستگان، درمان زیارت اماکن مقدس، بازدید از آثار تاریخی و مراکز هنری و فرهنگی شرکت در مسابقات ورزشی یا تماشای آن دیدن

¹ International Union of Official Travel Organization.

نمایشگاه‌های بازرگانی یا مراکز فعالیتهای اقتصادی و شرکت در همایشها و نشست‌ها است. (Rosaldo, 2019: 176) سیر و سفر موجب اشتراک فرهنگی می‌شود و این درک برای ملل به وجود می‌آید که به رغم تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی، نژادی و عقیدتی هماهنگی و اتحاد موجب انس و الفت، صلح و دوستی میان ملل می‌شود. برای مقرر ساختن چنین نظامی مسلماً مداخله‌ی دولت امری قطعی است؛ این دولت است که در سایه‌ی وضع قوانین اصولی امکان بهره‌مندی از تمام ظرفیتهای گردشگری را به صورتی امن محقق می‌سازد البته باید توجه داشت که دولتها در این زمینه با محدودیتهایی روبه‌رو هستند چراکه حق گردشگری از حقوق ذاتی و اساسی بشر است و هرگاه دولتی بدون دلیل قانونی و معتبر اجازه ورود و خروج به گردشگر را ندهد و یا در صورت ورود گردشگر به کشور مقصد جان و مال او در مصونیت نباشد، دولت مسئول است و فرد اجازه مراجعه به دادگاه‌های آن کشور و حتی مجامع بین المللی و دفاع از حق خود را دارد این مقررات با تدارک فضایی امن برای گردشگران و حمایت قانونی از آنان این صنعت را در جهتی پایدار به سوی پیشرفت و نظام مند شدن هدایت می‌نماید با توضیحات فوق ضرورت پرداختن به این پدیده در راستای نظام حقوق بشر و بین الملل آشکار می‌گردد. (Luo, 2010: 93)

به لحاظ اهمیت و جایگاه فوق‌الذکر صنعت گردشگری، امروزه دولتها در توسعه پایدار این صنعت و بهره‌مندی بیشتر از بازار این صنعت اهتمام جدی دارند. از جمله سازوکارهای مهم و مؤثر در توسعه این صنعت، نهادینه کردن مولفه‌های حقوق فرهنگی در جامعه می‌باشد.

اصطلاح حقوق فرهنگی^۱ نخستین بار در مذاکرات تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ مورد بحث و گفتگو قرار گرفت در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ آمده است: «هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین

^۱ . Cultural Rights

المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه رشد و نمو آزادانه شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد (فکوهی، ۱۳۹۸: ۵۳). در ادامه این اعلامیه به صورت مجزا بر رعایت حقوق فرهنگی افراد در جامعه تاکید شده است:

۱. هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها بهره گیرد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد. ۲. هر کس حق دارد از حمایت منافع مادی و معنوی و آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود. (ماده ۲۷. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸) ترویج و رعایت کامل حقوق، فرهنگی برای پاسداشت کرامت انسانی و حفظ و تعامل مثبت اجتماعی میان افراد و اجتماعات چند فرهنگی از اهمیت حیاتی برخوردار است. همچنین حقوق ابرازی ضروری برای توسعه صلح و حذف کامل فقر اس و برای ایجاد همبستگی اجتماعی و احترام و درک متقابل میان افراد و گروهها در عین حفظ تنوع هایشان لازم می باشد (صالحی امیری، ۱۳۹۷: ۳۱).

تعریف حقوق فرهنگی با تعریف فرهنگ ارتباط تنگاتنگی دارد یعنی با توجه به تعریفی که از فرهنگ میشود میتوان بر مبنای آن حقوق فرهنگی را تعریف کرد. مبنای حقوق فرهنگی را می توان حق بر انجام و بهره مندی و دسترسی آزادانه و بدون تبعیض به کالاها و فعالیتهای فرهنگی، در هر یک از حوزه های مختلف یاد شده، فرهنگ از جمله، زبان، عقیده، مذهب، هنر، ارزشها و سنتها دانست که میتواند به صورت، فردی گروهی و یا اجتماعی و به شکلهای مختلف در قالب ادبیات، هنر ارتباطات و اطلاعات، موسیقی، زبان پوشش و مد شیوه زندگی و ... تجلی یافته و ابراز گردد (رضایی و محمدی، ۱۴۰۰: ۸۱).

با توجه به تعریف فوق و نیز در نظر داشتن ماهیت، پیچیده گسترده و سیالی که فرهنگ دارد بالتبع حقوق فرهنگی نیز از گستره زیادی از جمله حق ابراز و خلق اشکال متنوع مادی و معنوی هنر،

ارتباطات و و اطلاعات، زبان، هویت آموزش و پرورش شیوه زندگی مشارکت در امور فرهنگی، هدایت فعالیتهای فرهنگی و دسترسی به میراث فرهنگی، برخوردار خواهد بود (روح الامینی، ۱۳۹۸: ۴۲).

در تحقیق حاضر سعی بر آن است تا تأثیر مولفه‌های حقوق فرهنگی بر توسعه صنعت گردشگری مورد تأمل و کنکاش قرار بگیرد.

گفتار اول: مولفه‌های حقوق فرهنگی موثر بر توسعه گردشگری

اهم این مولفه‌ها به شرح زیر می‌باشد.

الف- پذیرش تنوع فرهنگی

تنوع فرهنگی عبارت از شناسایی شیوه‌ها و رسوم اجتماعی مختلف در درون گروه‌های قومی گوناگون است که لازمه نیل به آن در یک جامعه پذیرش تفاوت‌های فرهنگی است. این امر مستلزم تأکید بر وجوه مشترک فرهنگها و راه و رسم زندگی اعتقاد و عمل به تساوی فرصتهای اجتماعی، آموزش برای، همگان احترام به تعیین سرنوشت هر یک از احاد مردم توسط خود آنان و پذیرش این واقعیت که به جای برتر دانستن فرهنگی بر فرهنگ دیگر بر شباهتهای آنها تأکید شود. بر این اساس، تنوع فرهنگی به معنای وجود الگوها، شیوه‌های عمل و بیان احساس، سبک‌های زندگی و نظام‌های ارزشی متنوع در میان گروه‌های اجتماعی در درون مرزهای جغرافیایی یک کشور است که به گونه ای طبیعی با یکدیگر تعامل و همزیستی دارند چنین ویژگیهایی از تنوع فرهنگی است که ارزشهای اجتماعی الگوهای رفتاری مناسبات، حقوقی قانونی و هنجاری متفاوت ایجاد می‌کند و در موقعیت‌های گوناگون زندگی اجتماعی، اعم از روابط خانوادگی و مناسبات مربوط به مالکیت، ازدواج خرید و فروش غم و شادیها و غیره ظهور می‌یابد (صادقی، ۱۳۹۱: ۲۲-۲۱).

با توجه به افزایش تنوع فرهنگی در سراسر جهان در این قرن شهروندان نیاز به دانش، نگرش و مهارتهایی برای عملکرد در جوامع فرهنگی خودشان و همچنین فراتر از مرزهای فرهنگی خود دارند. آنها همچنین باید مایل به مشارکت در ساخت یک فرهنگ ملی و مدنی نیز باشند که اخلاقی و صرفاً اجتماعی است. به عقیده، بنکس فرهنگ و زبان فراگیران از گروههای گوناگون فرهنگی در ایالات متحده قبل از جنبش حقوق مدنی دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به دلیل غلبه جریان همگون ساز تربیت شهروندی محکوم به استحاله در جریان غالب بودند بدین ترتیب بسیاری از دانش آموزان فرهنگ زبان و هویت های قومی اصلی خود را از دست داده و در جریان غالب استحاله می شدند؛ اما با ورود به هزاره سوم ارتباطات گسترده مهاجرت مسافرت و شبکه سازی امکانات وسیعی برای آزمایش و ابداع شیوه های نوین همزیستی پدید آورده و سبب شده تا دنیا با عرصه های نوین فرهنگی رویاروی شود با وجود این مردم در هر جایی که زندگی کنند، در این مشترکات پهناور جهانی، موقعیتی برای خود دست و پا می کنند تا بتوانند پاره ای از سنتهایشان را حفظ کنند. در همان حال در خلال مبادلات فرهنگی ارتباطاتشان را با جهان امروز از نو تعریف می کنند. بنابراین شهروندی در عصر جهانی شدن و تنوع فرهنگی ویژگیهای خاصی را می طلبد. آنها مردمی هستند که می توانند در محدوده های مختلف و با جلوه های فرهنگی گوناگون زندگی و سفر کنند و در ضمن با فرآیندهای جهانی همراهی کنند

(Byram, 2016: 311)

ب- نهادهای شدن شهروندی فرهنگی

نظریه پردازان اجتماعی حامی تربیت شهروند جهانی هم اکنون بر این امر تأکید دارند که در بستر تنوع فرهنگی^۱ و جهانی شدن، کنونی مسائل حقوق فرهنگی شهروندان به همان میزان حقوق سیاسی مدنی و اجتماعی اهمیت دارد (Stevenson, 2018: 7) این نظریه پردازان استدلال میکنند که

^۱ . Cultural Diversity

شهروندان باید علاوه بر حقوق مدنی سیاسی و اجتماعی از حقوق فرهنگی نیز برخوردار شوند. از این دیدگاه مفهوم شهروندی فرهنگی در وهله نخست ناظر بر تأمین حقوق فرهنگی است. بنابراین، در سالهای اخیر نوع جدیدی از شهروندی تحت عنوان «شهروندی فرهنگی» به عنوان نظریه های جدید شهروندی مطرح شده است. شهروندی فرهنگی تا حدودی توانسته است کاستیها و خلاهای موجود در نظریه های پیشین در مقوله شهروندی مانند نادیده گیری مفهوم فرهنگ در رابطه با شهروندان و نیز محدود بودن این مفهوم به گروه های خاص و کم توجهی به اقلیتها کودکان و زنان را برطرف کند (ترنر، ۱۹۹۰: ۲۲) این موضوع دقیقاً حس برابری طلب در میان اعضای است که اغلب باعث ایجاد مجموعه های انحصاری از حقوق محفوظ در برابر دیگران مانند بیگانگان یا خارجیها می شود (Turner, 2017: 24)

به طور کلی، نظریه شهروندی فرهنگی ناظر و متکی بر چند واقعیت اجتماعی به شرح زیر است:

۱. شهروندی، «سازه ای اجتماعی است؛ در نتیجه تابعی از بستر اجتماعی و زمینه فرهنگی جامعه خود است؛ از این رو با توجه به تنوع و تفاوت فرهنگها، ما با معانی فرهنگی متفاوتی از شهروندی مواجه ایم.

۲. شهروندی مفهومی پویاست از این رو با توجه به تحولات تکنولوژیک، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، معنا و مفهوم شهروندی نیز دگرگون می شود.

۳. شهروندی اگرچه مفهومی اساساً حقوقی و معطوف به حقوق و وظایف شهروندان و رابطه دولت و شهروندان است اما دارای ابعاد فرهنگی فراسوی این رابطه های حقوقی است؛ از اینرو، نیاز به تعریفی جامع تر از شهروندی است تا ابعاد فرهنگی فراسوی رابطه های حقوقی را دربرگیرد.

۴. شهروندی دارای بنیادهای فرهنگی است و مجموعه‌ای از ارزشهای اجتماعی مانند مساوات طلبی، آزادی، فردگرایی مردم سالاری و مسئولیت پذیری مدنی و نظامهای معنایی ایدئولوژیک معین مانند لیبرالیسم آن را حمایت می‌کند

۵. در کنار حقوق مدنی سیاسی و اجتماعی حقوقی نیز به نام حقوق فرهنگی وجود دارد. از این رو، شهروندی فرهنگی در یک بیان واضح ناظر بر تأمین حقوق فرهنگی شهروندان است.

۶. تحولات چند دهه اخیر در مسیر اهمیت یافتن فرهنگ و فرهنگی شدن عرصه‌های سیاسی اجتماعی و اقتصادی است؛ از این رو فرهنگی شدن شهروندی نیز امری اجتناب ناپذیر شده است.

۷. شهروندی مقوله‌ای متزعززع یا مجزا از فرهنگ شهروندان نیست از این رو برای داشتن شهروندی، فعال باید مؤلفه‌ها و معنای، شهروندی بر خواسته و با ملاحظه فرهنگ شهروندان باشد نه صرف ملاحظات حقوقی یا تأکید یک سویه بر آرمانهای ایدئولوژیک.

۸. افراد یا شهروندان علاوه بر نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مجموعه‌ای از نیازهای فرهنگی نیز دارند نیازهای مربوط به، خلاقیت خودشکوفایی و نیازهای فراغت و لذت از جمله این نیازهاست. مفاهیم شهروندی، مدنی سیاسی و اجتماعی نمی‌تواند همه نیازهای فرهنگی افراد را پوشش دهد. (منافی شرف‌آباد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۹)

شهروندی فرهنگی، حق و نیاز شهروندان به حفظ تعهد نسبت به فرهنگ ملی و فرهنگ فراملی را به رسمیت شناخته و به آن مشروعیت می‌بخشد تربیت شهروندی باید به افراد کمک کند تا شناخت روشن و درستی از نقش خود در سطح ملی و جامعه جهانی کسب و درک کنند که چگونگی زندگی آنها در جوامع فرهنگی، شان زندگی ملل دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و چگونه رویدادهای جهانی می‌توانند زندگی روزمره آنها را تحت تأثیر قرار دهند (افتخارزاده، ۱۳۹۴: ۱۶). در شهروندی

فرهنگی، هویت بخشی به افراد مختلف جامعه از جمله مسائل مهم است مفهوم شهروندی فرهنگی در پی طرد بیگانه هراسی از جامعه است در حالی که در برداشت سنتی از مفهوم شهروندی، نوعی بیگانه هراسی حاکم است. با توجه به همین نکته است که افراد حق برابر برای زندگی دریافت می کنند؛ به عبارتی «دیگری» در تعریف سنتی و کلاسیک از شهروندی نفی می شود و نوعی ترس و هراس از آن در «خود» شکل می گیرد در حالی که در شهروندی فرهنگی به دیگری به عنوان بخشی از جامعه هر چند متفاوت از گروههای مسلط احترام گذاشته می شود و در واقع جامعه متشکل از «خود» های متکثر و گاه سیالی است که در کنار هم یک کل را با اهمیت قائل شدن برای تفاوتها می سازند (رضایی و محمدی، ۱۴۰۰: ۵۲).

در حقیقت در شهروندی فرهنگی حقوق و وضعیت گروههای مختلف، با تقسیم بندی های جنسیتی، قومی اشکال زبانی و مذهبی به رسمت شناخته میشود (Leung, 2020: 116) از اینرو، میتوان آن را معادل با مفهوم آموزش به منظور بین فرهنگی بودن توصیف کرد که درک ویژگیهای مشترک بین فرهنگها احترام به شأن انسانی و اقدام برای مشارکت با دیگران را دربرمی گیرد (Byram, 2016: 153) بنابراین حق متفاوت بودن گفتمان فرهنگی توجه به فرهنگهای بومی و احترام به تفاوتهای زبانی، عقاید پوشش و آداب و رسوم ملتها از جمله ویژگیهای شهروندی فرهنگی است. شهروندی فرهنگی این واقعیت را میپذیرد که فرهنگها متفاوتاند و دیگرانی با تفاوتهایی از ما وجود دارند که حق دارند باشند به عبارت دیگر شهروندی فرهنگی اشاره به حق داشتن تفاوتها یا متفاوت بودن در ارتباط با قومیت، نژاد، زبان بومی و غیره است و به هنجارهای برتر ملی نیز احترام گذاشته می شود (Rosaldo, 2019: 57) از این منظر تفاوتها به عنوان یک امتیاز و نه به عنوان تهدید تلقی می شود این پیش فرض در جهت گیریهای بازسازگرایان و فمینیست نیز وجود دارد. مقوله شهروندی فرهنگی تأکید

بر نقش تضاد و تعارض در شکل‌گیری فرهنگ جدید و اشکال سیاسی جدید دارد: (Delanty, 2017: 134). ایده شهروندی فرهنگی همواره بر این باور نیست که بستر فرهنگی همان بستر ملی است، بلکه ممکن است دعاوی شهروندی فرهنگی در بسترهای فرهنگی متفاوت و در همان زمان ایجاد شوند و پیشرفت کنند بنابراین ایده پیشنهادی شهروندی فرهنگی به عنوان شراکت در تدوین بسترهای فرهنگی ممکن است با اقتصاد فرهنگی جهانی مرتبط باشد در واقع آرمان شهروندی فرهنگی، که در دست یابی به احکام برابر در تمام فرآیندهای ایجاد معنا برای داده هدایت میشود، ممکن است در بسترهای فراملی نظیر بسترهای گوناگون ملی مرتبط باشد آرمان شهروندی فرهنگی در اینجا موقعیت و جایگاه دشوارتری از نتایج دیگر سنت انتقادی تفکر اجتماعی نظیر دموکراسی و جامعه مدنی یا حقوق بشر نیست. این مفاهیم کلیدی در ابتدای امر در بستر جهانی یافتند با توجه به سلطه پویاییهای فرهنگی در فرآیندهای معاصر جهانی، شدن شهروندی فرهنگی به نظر میرسد با تفکر درباره اقدام رهایی بخش امروزی در ارتباط باشد (Boele can Hensbrok, 2020: 328).

در حقیقت ایده شهروندی فرهنگی با مباحث مربوط به احترام و رابطه بیشتر مرتبط است. درک فرهنگی شهروندی نه تنها با فرآیندهای رسمی نظیر رأی دادن مربوط می شود، بلکه به طور قاطع با مجموعه ای از اقدامات فرهنگی که مورد بی احترامی قرار می گیرند به حاشیه رانده می شوند، فاقد نفوذ و ابتکار و کلیشه‌ای پنداشته می شوند و به طور ناملموس تحویل داده می شوند نیز مرتبط است (Banks, 2020: 127) سشهروندی فرهنگی موجب خواهد شد شهروندان یک کشور نسبت به گردشگران کشورهای دیگر به دیده احترام بنگرند و حقوق انسانی آنها را رعایت بکنند.

ج - آزادی فرهنگی

اولین مجموعه شامل شاخصهای توسعه منابع انسانی که شامل حقوق فردی و اجتماعی میشود و مؤلفه های آن عبارتند از امنیت شخصی، آزادی بیان و اندیشه تساوی در برابر قانون و حق تصمیم گیری و انتخاب (فراهانی، ۱۳۹۳: ۳۱۱) «آزادی یعنی توانایی به انجام هر عملی که زیانی را متوجه دیگران نکند به این ترتیب اعمال حقوق طبیعی هر انسانی تنها با مرزهایی محدود میشود که ضامن بهره بردن سایر اعضای جامعه از همین حقوق هستند. تعیین این مرزها تنها به وسیله قانون میتواند انجام گیرد» (اعلامیه حقوق بشر فرانسه، ۱۷۹۸)؛ در حالی که تمامی جوامع گرایش به افزایش دامنه آزادی ها و کاهش محدودیت دارند باید در طی این فرایند به چند نکته اساسی توجه نمود:

۱ - فرایند فوق نمیتواند بدون در نظر گرفتن بافت فرهنگی، نظام ارزشها عقاید، هنجارها و آداب و رسوم جامعه به موفقیت برسد.

۲ - فرایند جهانی شدن و تهاجم فرهنگی میتواند سازوکارهای دموکراسی و آزادی مدنی را تضعیف نماید.

۳- محدودسازی و کشیدن خط قرمزها نمیتواند برای مقابله با تهاجم فرهنگی موثر و سودمند باشد بلکه تنها با فرهنگ سازی آموزش و حمایت از خلاقیت و نوآوری فرهنگی و فراهم آوردن شرایط انتخاب آزاد برای افراد با این پدیده باید مقابله نمود.

۴- آزادی اندیشه و عقیده در مراحل ابتدایی این فرایند بوده و به تدریج به آزادی عمل و بیان تبدیل میشود (Gutman, 2014: 175).

نهادینه شدن آزادی فرهنگی در یک کشور، زمینه ساز جذب گردشگران و توسعه صنعت گردشگری خواهد شد.

د- دسترسی به فرهنگ

دسترسی مردم به امکانات و تجهیزات فرهنگی و نیز کالاها و خدمات به چگونگی توزیع آنها از سوی دستگاههای فرهنگی کشور بستگی دارد؛ در حالی که مصرف تولیدات و خدمات فرهنگی وابسته به نیاز مخاطبین است نیاز مردم به کالاها محصولات و خدمات فرهنگی گاهی به صورت آشکار (احساس شده) و گاهی به صورت پنهان (احساس نشده) میباشد که بایستی از طریق شاخصهای معینی برآورد گردد (یونسکو، ۱۳۹۶: ۴۰۲).

«بی شک غایت اصلی تمام برنامه ریزیها رسیدن به توسعه پایدار تعادل، توزیع مناسب فعالیتها و استفاده حداکثر از قابلیتهای محیطی در فرایند توسعه مناطق است. تمرکز شدید جمعیت و فعالیتها در یک یا چند نقطه جغرافیایی، از مشخصه های بارز اکثر کشورهای جهان سوم به خصوص ایران است. عدم توجه به برنامه های بلندمدت و تکیه سیاست گذاران به برنامه های توسعه سطحی جهت تحقق شعارهای خود از موانع اصلی توسعه موزون و متوازن کشور است» (رضایی و محمدی، ۱۴۰۰: ۷۳).

لذا وظیفه دستگاههای فرهنگی در فرایند مصرف یا پاسخگویی به نیاز آشکار مردم به صورت توسعه و تجهیز امکانات و خدمات است و پاسخگویی به نیازهای مردم به صورت ترویج فرهنگی و ایجاد زمینه برای مصرف فرهنگی یا ارتقای محتوای فرهنگی میباشد و با این راهبرد فرهنگی، بستر برای توسعه گردشگری فراهم خواهد شد.

هـ- تساوی حقوق

برخی از نظریه پردازان «احترام به تنوع فرهنگی» را در زمره حقوق فرهنگی می دانند. (Leung, 2020: 137) «حقوق فرهنگی را به معنای توجه به حقوق گروههای اجتماعی مانند زنان کودکان معلولان اقلیتها مهاجران و سایر هویت های اجتماعی، توصیف میکند. او ادامه می دهد حقوق فرهنگی به معنای پذیرش و به رسمیت شناخته شدن حقوق هویتها و گروه های اجتماعی بدون وجود مانع در راه

بازنمایی این هویتها به رسمیت شناخته شدن آنها بدون حاشیه‌ای شدن، پذیرش و ادغام در جامعه بدون عادی سازی تحریفها و تحقیرهایی است که نسبت به آنها ممکن است صورت گیرد. این دسته از حقوق متفاوت از حقوق مربوط به داشتن نمایندگی، سیاسی رفاه و عدالت اجتماعی و بیشتر معطوف به داشتن حقوق بازنمایی و اشاعه سبک زندگی و هویت فرهنگی شهروندان است. (Ibid: 141) شهروندی فرهنگی ضمن برخورداری از حقوق مشارکت و دیگر حقوق دموکراتیک برخوردار از حق «متفاوت بودن» است مفهوم دیگر شهروندی فرهنگی، توجه به عامه مردم و در نظر گرفتن معنایی همه شمول از فرهنگ و محدود نکردن آن تنها به فرهنگ نخبگان است. این توجه به معنای عمومی و عامی، فرهنگ ناشی از رویکرد دموکراتیک غالب در سنت شهروندی است. همان طور که گروسبرگ (۱۹۹۲) اذعان می: دارد مفهوم شهروندی وابسته به سنت سیاسی است که درصدد درگیر کردن و بسط مشارکت افراد در شکل دادن قوانین و تصمیمات جامعه است. فقط در دوره های مدرن است که این مفهوم شهروندی از مردم تحصیل کرده و نخبه به همه اعضای یک ملت و عامه مردم گسترش می یابد؛ ضمن آنکه هیچ گونه تلاش سیاسی دموکراتیک نمیتواند بدون در نظر گرفتن قدرت عامه به نحو مؤثری سازماندهی شود (صادقی، ۱۳۹۱: ۳۲۲-۳۲۱).

مباحث مزبور در جدول زیر تلخیص و تنظیم شده است.

مؤلفه‌های حقوق فرهنگی مؤثر در توسعه گردشگری

	مؤلفه‌ها	شاخص‌های عملیاتی
حقوق فرهنگی	آزادی فرهنگی	آزادی انتخاب مذهب
		آزادی در بیان اندیشه
		آزادی در انجام مناسک دینی
		آزادی در آموزش و تحصیل به زبان مادری
	دسترسی به فرهنگ	دسترسی به امکانات آموزشی
		دسترسی به امکانات فرهنگی

		دسترسی به کالاها و خدمات فرهنگی
		دسترسی به اطلاعات و ارتباطات
	تساوی حقوق	حقوق برابر برای همگان
		حقوق برابر برای اقلیت‌های مذهبی
		حقوق برابر برای زنان
		حقوق برابر برای اقوام
	حق انتخاب هویت	حس تعلق به ایران (تاریخ، سرزمین، پرچم و ...)
		حس تعلق به اسلام (قرآن کریم، پیامبر اکرم، ارزش‌ها و اصول و ...)
		حس تعلق قومی (زبان مادری، سرزمین مادری، تاریخ قومی و پوشش و سنن)

گفتار دوم: تحلیل و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهشی حاضر، و الگوی نهایی سنجش توسعه فرهنگی در کشور پنج راهکار

کلان برای سنجش و ارزیابی توسعه گردشگری در ایران به صورت زیر ارائه می‌شود:

- برخورداری شهروندان از حقوق فرهنگی جزء پیش نیازهای اصلی توسعه گردشگری در کشور

است. بدیهی است که هر چقدر میزان برخورداری شهروندان از حقوق فرهنگی بیشتر باشد؛ روند

توسعه گردشگری کشور شتاب بیشتری به خود می‌گیرد در این راستا اولین عامل که باید مورد ارزیابی

قرار گیرد مقوله میزان برخورداری شهروندان از حقوق فرهنگی است (افتخارزاده، ۱۳۹۴: ۴۱).

- وجود امکانات و ظرفیت های فرهنگی مناسب در جامعه نقش اساسی در شکوفایی استعدادها

تواناییهای شهروندان و در نتیجه آن توسعه گردشگری کشور دارد فراوانی و پراکندگی مناسب

امکانات و ظرفیتها در مناطق مختلف کشور می‌تواند زیرساختهای لازم را برای توسعه گردشگری

فراهم سازد؛ لذا برای سنجش توسعه گردشگری کشور سنجش مقوله امکانات و ظرفیتها از اهمیت

خاصی برخوردار است. (احمدی، ۱۳۹۸: ۳۹)

خلاقیت و تولید فرهنگی که در برگیرنده کالاها و خدمات فرهنگی میباشد از عوامل مهم نشان دهنده پویایی و نشاط فرهنگی و در نتیجه آن توسعه گردشگری جامعه به حساب می آید، لذا سنجش میزان خلاقیت و تولید فرهنگی در الگوی جامع سنجش توسعه گردشگری کشور از اهمیت بارزی برخوردار است. (سریع القلم، ۱۳۹۴: ۹۲).

- توسعه گردشگری در هیچ جامعه ای بدون جلب مشارکت مردم در امور فرهنگی اتفاق نمی افتد، لذا مقوله میزان مشارکت گردشگری مردم در امور فرهنگی به عنوان یکی از پنج عامل اصلی در الگوی سنجش توسعه فرهنگی کشور ارائه شده است. (صادقی، ۱۳۹۱: ۳۲)

مدیران و دستگاه‌های فرهنگی کشور باید به این نکته توجه داشته باشند که در تعریف دقیق و شاخصهای آزادی فرهنگی و تعیین حدود و دامنه آنها مطابق با ارزشها و اصول جامعه و قانون اساسی پیش شرط اصلی در سنجش میزان برخورداری شهروندان از آزادیهای فرهنگی است. نخستین شاخص در سنجش آزادی فرهنگی شهروندان در ،جامعه آزادی انتخاب مذهب می باشد. آیا شهروندان از این حق طبیعی خود تا چه حدی برخوردارند و آیا میتوانند در انتخاب دین و مذهب خود و یا تغییر آن آزاد باشند و شاخص دوم که در سایه شاخص حق انتخاب مذهب مفهوم پیدا می‌کند؛ حق آزادی در انجام مناسک و فرایض دینی است آیا شهروندان از هر مذهبی که باشند (البته مذاهب مورد تأیید قانون اساسی جمهوری اسلامی (ایران میتوانند با خیال آسوده و در اماکن مذهبی خود فرایض دینی خود را آزادانه به جا آورند. شاخص سوم مؤلفه آزادی ،فرهنگی، حق آزادی بیان است. البته باید در سنجش این حق به این نکته مهم توجه داشت که آزادی بیان در هر جامعه ای از یک سری محدودیتهایی برخوردار است که قانون اساسی آنها را مشخص می‌سازند؛ (روح الامینی، ۱۳۹۸: ۱۵۱) لذا باید با توجه به این محدودیتها نسبت به سنجش این شاخص اقدام کرد آخرین

شاخص مؤلفه آزادی فرهنگی، شاخص آزادی در آموزش و تحصیل به زبان مادری است که در کنار آموزش به زبان رسمی کشور مفهوم پیدا میکند اینکه شهروندان تا چه حد میتوانند در کنار آموزش به زبان رسمی از حق آموزش به زبان مادری خود محروم نباشند؛ می تواند در فرایند توسعه گردشگری موثر باشد (رضایی و محمدی، ۱۴۰۰: ۲۷).

برای سنجش مؤلفه حق دسترسی به فرهنگ، نخستین و مهمترین شاخص که مدیران و برنامه ریزان فرهنگی باید مورد بررسی قرار دهند حق دسترسی به امکانات آموزشی است. اینکه تمامی شهروندان جامعه از طبقات مختلف و مناطق جغرافیایی مختلف و اقلیتهای مذهبی و قومی مختلف تا چه حد به امکانات آموزشی دسترسی دارند و اینکه آیا همه آنها از این حق به طور برابر برخوردارند؛ امری بسیار مهم در فرایند توسعه گردشگری در جامعه محسوب می شود.

برای سنجش میزان برخورداری شهروندان از حق انتخاب، هویت عوامل مختلفی میتواند مورد توجه قرار گیرد. در این الگو سه شاخص هویت ملی، هویت دینی و هویت قومی لحاظ گردیده است. حس تعلق به ایران سرزمین، پرچم، زبان، فارسی اسطوره ها و اولین شاخص سنجش این مولفه ها میباشد دومین شاخص میزان حس تعلق به اسلام قرآن، کریم پیامبر اکرم (ص)، ائمه اطهار (ع)، ارزشها و اصول دینی و ... میباشد و اما آخرین شاخص این مولفه میزان حس تعلق به قومیت زبان مادری سرزمین مادری، تاریخ سنتها و آیینهای قومی، پوشش و میباشد.

پیشرفت و توسعه اندیشه آدمی و پرورش انسانهای خلاق و دارای مهارت های مختلف که از مهم ترین عوامل رسیدن به توسعه گردشگری به شمار می آید؛ تنها در سایه بهره مندی از امکانات آموزشی و فرهنگی مختلف در تمامی مناطق کشور امکان پذیر است. در سنجش مولفه امکانات فرهنگی، نکته ای که پژوهشگر یا مدیر باید به آن توجه نماید اینکه نه تنها باید مدام این مراکز از لحاظ کمی و

چگونگی توزیع در مناطق مختلف مورد بررسی قرار گیرند بلکه با اتخاذ سازوکارهای مناسب باید در بازه های زمانی مختلف کیفیت خدماتی که این مراکز ارائه می کنند نیز مورد بررسی قرار گیرند. برای این مهم اولین شاخص بررسی مراکز آموزش، (مدارس، پیش دبستانها، آموزشگاههای هنری، دانشگاهها و ...) از لحاظ تعداد و پراکندگی و نیز کیفیت خدمات می باشد. سنجش تعداد مراکز فرهنگی مختلف (نمایشگاهها، سالنهای نمایش، سینماها، استودیوهای فیلم و موسیقی، گالری ها، موزه ها، هنرکده ها و غیره) از لحاظ کمی و کیفی دومین شاخص این مولفه می باشد (صادقی، ۱۳۹۱: ۳۷).

سومین شاخص این گروه جمع آوری اطلاعات کمی و کیفی در مورد مراکز فرهنگی، تفریحی، سرگرمی و ورزشی (کتابخانه ها پارکها و شهر بازیها ورزشگاهها و ...) می باشد. چهارمین شاخص این مولفه ها مراکز مذهبی (مساجد)، اماکن زیارتی (کلیساها و ...) میباشد (روح الامینی، ۱۳۹۸: ۱۴۴).

اولین شاخص برای سنجش مولفه آموزش و نیروی انسانی مطالعه و تعداد جمعیت با سواد کشور است در جمع آوری دادهها برای این شاخص، تعداد افراد باسواد باید با توجه به ویژگیهایی چون سن و جنسیت مورد توجه قرار گیرد تعداد دانش آموزان و دانشجویان در حال تحصیل دومین شاخص این مولفه می باشد. شاخص سوم مولفه نیروی انسانی و آموزش سنجش تعداد افراد دارای مهارتهای رسمی خلق آثار فرهنگی و هنری میباشد سنجش تعداد معلمان و اساتید شاغل در مراکز آموزشی و همچنین تعداد اساتید شاغل در مراکز، هنری شاخص پنجم این مولفه و نیز شاخص آخر، سنجش تعداد ورزشکاران که در سطح حرفه ای و قهرمانی فعالیت می کنند برای سنجش این شاخص ها می توان از آمار رسمی نهادها و سازمانهای دولتی بهره برد. میراث فرهنگی به سبب نقش خاص که در حفظ و انتقال ارزشها تقویت هویت فرهنگی جامعه و نیز طراوت و نشاط بخشیدن به

جامعه ایفا می‌کند؛ توجه ویژه به شاخص‌های میراث فرهنگی از سوی مدیریت و برنامه ریزان فرهنگی می‌طلبد.

برای سنجش مولفه میراث فرهنگی می‌توان با جمع آوری داده‌های کمی در مورد شاخص‌های جشنها و اعیاد ملی، مذهبی و محلی مراسم ملی مذهبی و ملی بازیها و ورزشهای سنتی در مناطق مختلف کشور اقدام کرد شاخص چهارم این مولفه در مورد تعداد آثار و بناهای تاریخی در مناطقی مختلف است که جزء آثار ثبت شده در یونسکو و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است. مولفه کتابهای چاپ شده دارای دو شاخص مهم شمارگان کتابهای تالیفی در کشور و نیز تعداد و عناوین کتابهای چاپ شده در کشور میباشد که با استفاده از آمارهای رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که هر ساله تهیه می‌کند به راحتی قابل سنجش میباشد.

حجم و تعداد کالاهای فرهنگی تولید شده در سطح کشور میتواند نماد خوبی برای نشان دادن سطح نشاط فرهنگی و توسعه فرهنگی در جامعه تلقی شود اولین شاخص برای سنجش مولفه کالاهای فرهنگی خلق شده، بررسی تعداد فیلمهای سینمایی تلویزیونی، کوتاه مستند و سریال و کلیپها می‌باشد که در سطح کشور با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تولید شده اند. سنجش تعداد آلبومهای موسیقی دارای مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان دومین شاخص این مقوله مطرح است که میتواند با استفاده از آمار رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به راحتی به این مهم دست یافت اما سنجش آثار هنری خلق شده مانند تابلوهای نقاشی خطاطی، طراحی، مجسمه، عکس کاریکاتور و که سومین شاخص این مولفه به حساب می‌آید نیاز به صرف وقت و دقت زیاد دارد؛ چرا که در کشور ایران معمولاً این آثار هنری فاقد شناسنامه‌اند و این امر، کار پژوهشگر یا برنامه ریز فرهنگی را با مشکل مواجه می‌سازد با این حال میتوان با مراجعه به مراکز هنری مانند گالریها،

نمایشگاه ها و هنرکده ها و نیز خود هنرمندان و استفاده از روشهای کمی همچون تهیه پرسشنامه نسبت به این مهم اقدام کرد اینکه به چه میزان وسایل سرگرمی ورزشی و اسباب بازی در کشور تولید میشود به عنوان شاخص چهارم این مولفه تعیین شده است (افتخارزاده، ۱۳۹۴: ۵۱) و آخرین شاخص میزان تولید صنایع دستی در کشور قالی بافی، جاجیم بافی، صنایع دستی چوبی، صنایع دستی فلزی، قلم زنی و میباشد که با استفاده از روشهای جمع آوری داده های کمی و نیز مراجعه به آمار رسمی نهادها و سازمانهای دولتی قابل سنجش می باشد. مولفه کالاهای فرهنگی مجاز تولید شده در کشور از چهار شاخص مهم تشکیل شده است که تعداد کتابهای الکترونیکی مجاز تولید شده اولین شاخص آن میباشد دومین شاخص، بررسی تعداد نرم افزارهای سرگرمی و آموزشی تولید شده در سطح کشور است تعداد روزنامه ها و مجلات اینترنتی که به صورت رسمی و با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می کنند شاخص دیگر این مولفه می باشد و اما آخرین شاخص مولفه کالاهای فرهنگی مجازی تعداد سایتها و وبلاگهای اینترنتی بوده که به صورت رسمی فعالیت می کنند استفاده از روشهای کمی جمع آوری اطلاعات و نیز بهره گیری از آمار رسمی و سازمانهای دولتی در این حوزه پیشنهاد می شود توسعه شتابان فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی و افزایش گرایش استفاده از کالاهای فرهنگی مجاز در بین اقشار مختلف مردم سبب شده که امروزه این کالاها از جایگاه مهمی در الگوهای سنجش توسعه گردشگری برخوردار باشند (یونسکو، ۱۳۹۸: ۱۰۲) برای سنجش مولفه مصرف فرهنگی اولین شاخص پیشنهادی بررسی میزان تماشای برنامه تلویزیونی و به دست آوردن میانگین زمان صرف در شبانه روز برای این فعالیت از سوی شهروندان است. محاسبه میانگین زمان صرف شده در شبانه روز برای گوش فرا دادن به برنامه های رادیویی به عنوان دومین شاخص این مولفه پیشنهاد می شود. شاخص دیگر این مولفه محاسبه میانگین زمان صرف شده در شبانه روز برای

گوش دادن به موسیقی برای هر یک از شهروندان می باشد میانگین زمان صرف شده در شبانه روز برای مطالعه و خواندن کتاب برای هر نفر در جامعه به عنوان چهارمین شاخص مولفه مصرف فرهنگی پیشنهاد می گردد. میانگین زمان مصرف شده در طول یک بازه زمانی خاص (هفته، ماه و یا سال) برای رفتن به سینما و تئاتر شاخص دیگر این مولفه است و آخرین شاخص میزان استفاده از سایر کالاهای فرهنگی و هنری می باشد (صالحی امیری، ۱۳۹۶: ۱۷۱). باید توجه داشت که سنجش دقیق این مولفه نیاز به استفاده همزمان از داده های کمی و آمار رسمی و نیز داده کیفی و مراجعه به خود شهروندان و بهره گیری از روشهای تحقیق کیفی می باشد تعداد دفعات و زمان صرف شده از سوی شهروندان برای بازدید از موزه ها و اماکن تاریخی اولین شاخص مولفه شرکت در فعالیتهای فرهنگی است. دومین شاخص مهم این، مولفه شرکت شهروندان در جشنواره ها و مراسم فرهنگی رسمی می باشد. تعداد دفعات و زمان صرف شده از سوی شهروندان برای بازدید از نمایشگاههای فرهنگی و هنری و نیز شرکت در فعالیتهای داوطلبانه زیست محیطی شاخصهای دیگر این مولفه می باشد. پژوهشگران و یا برنامه ریزان فرهنگی برای سنجش شاخصهای مولفه شرکت در فعالیتهای فرهنگی می توانند از آمار رسمی موسسات و مراکز فرهنگی از قبیل میزان بلیط فروخته شده مراکز فرهنگی و آمار بازدید از آن مراکز ... استفاده نمایند (منافی شرف آباد و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۷). البته این داده ها زمانی تکمیل و قابل استفاده می گردد که با مراجعه به شهروندان و استفاده از ابزار تحقیق پرسشنامه و مصاحبه و یا موارد دیگر اطلاعات جامع در مورد میزان حضور و زمان میانگینی که آنها برای شرکت در فعالیتهای فرهنگی مصرف میکنند؛ به دست آید.

منابع

الف - منابع فارسی

۱. احمدی نیلوفر (۱۳۹۸)؛ «شهروند و حقوق شهروندی»، فصلنامه اقتصاد خانواده شماره ۲۵، شهریور - مهر.
۲. افتخار زاده، فرهاد (۱۳۹۴)؛ بررسی چارچوب تربیت شهروندی برای قرن ۲۱، نشریه همشهری نمایه کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۳. رضایی، احمد و محمدی، نریمان، (۱۴۰۰)، هویت شهروندی فرهنگی و نقش شهرداریها، تهران، مجموعه مقالات همایش علمی شهرداری به منزله نهاد اجتماعی معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
۴. روح الامینی، محمود (۱۳۹۸)؛ زمینه فرهنگ شناسی؛ تالیفی در انسان شناسی فرهنگی و مردم شناسی، تهران: انتظارات عطار.
۵. سریع القلم محمود (۱۳۹۴)؛ ایران و جهانی شدن؛ فرصتها و چالشها تهران مرکز تحقیقات استراتژیک
۶. صادقی، علیرضا، (۱۳۹۱)؛ چندفرهنگی و نسبت آن با، آموزش رشد تکنولوژی آموزشی شماره ۴ دی دوره بیست و هشتم.
۷. صالحی امیری سیدرضا (۱۳۹۶)؛ مفاهیم و نظریه های فرهنگی تهران، انتشارات ققنوس.
۸. فراهانی محسن (۱۳۹۳)؛ پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت، چاپ اول، تهران: آبیژ.
۹. صالحی امیری، سیدرضا، (۱۳۹۷)، مبانی سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

۱۰. فکوهی، ناصر. (۱۳۹۰)؛ توسعه فرهنگی و هویت فرهنگی روزنامه شرق شماره ۱۳۰۹. ۲۰.

۱۱. منافی شرف آباد، کاظم، زمانی الهام و علی مهدوی، خواه (۱۳۹۳) تربیت شهروند، جهانی تهران:

مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.

۱۲. یونسکو، (۱۳۹۶)، بعد فرهنگی توسعه به سوی یک رهیافت، علمی ترجمه تیمور، محمدی،

تهران: سازمان برنامه و بودجه.

۱۳. یونسکو (۱۳۹۸)؛ فرهنگ و توسعه، رهیافت مردم شناختی توسعه، ترجمه نعمت الله فاضلی و

محمد فاضلی تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ب - منابع انگلیسی

1. Banks, J.A., (2020). Educating Citizens in a Multicultural Society (2nd ed.), New York: Teachers College Press.
2. Boele van Hensbroek, B. (2020). Cultural Citizenship as a Normative Notion for Activist Practices, Citizenship Studies, Vol. 14, No. 3, pp. 317-330.
3. Byram, M., (2016). Developing a Concept of Intercultural Citizenship: In G. Alred, M. Byram, and M. Fleming, (Eds.) Education for Intercultural Citizenship: Concepts and Comparisons, Clevedon: Multilingual Matters.
4. Delanty, G., (2017). Theorising Citizenship In a Global Age, In Globalizeship And Citizenship: The Transnational Challenge, by Hudson, W. and Slaughter, S., Routledge, Taylor & Francis Group.
5. Gutman, A., (2014). Unity and diversity in democratic multicultural education: creative and destructive tensions. In J.A.Banks(Ed.). Diversity and citizenship education, Global perspectives (pp.11-66). San Francisco: Jossey-Bass.
6. Rosaldo, R. (2019). Identity, conflict and evolving latino communities: cultural citizenship in Sanjose, California. Boston: Beacon.



7. Stevenson, N., (2018). Culture and Citizenship, London, Sage Publication.
8. Stevenson, N., (2010). Cultural Citizenship Education and Democracy: Redefining the Good Society, Citizenship Studies, Vol. 14, No.3, pp. 275-291.
9. Turner, B., (2017). Citizenship and capitalism. The debate over reformism. London: Allen & Unwin.